

■ توسعه بخش صنعت و جایگاه ادغام وزارتخانه‌های صنعتی

کار: گروه تحقیق

۱. پیشگفتار

«وضعیت موجود ما از نظر توسعه بسیار غم‌انگیز است؛ کشوری با این عظمت فرهنگی و اندیشه قویم الهی، در علوم، صنایع، نظام کشورداری، دفاع، آبادانی، رفاه مردم و امکانات و ساختارهای مدنی، چنان عقب افتاده است که در غالب آن ششون نیازمند دیگران است.

...امروز حیات سیاسی ما در جهان به عنوان ام‌القرای اسلام در گرو توسعه یافتن است. ما باید بتوانیم به صورت یک عنصر قوی سیاسی که مجهز به امکانات پیشرفته و فنون عالی مملکت‌داری است، درآییم. لذا باید به امر توسعه به نحو جدی و حیاتی نگاه کنیم و مبانی نظری و جهات عملی آن را مورد مداقه قرار دهیم.

... از دیدگاه نظام ما، هرگز دولت نمی‌تواند در عمل، «فرد» را که صلاح و تعالی وی منتهای هدف نظام است، با عنوان برنامه متمرکز یا مهندسی اجتماعی در پیش

پای عنصری با ماهیت اعتباری به نام «جمع» قربانی کند... ما باید به توده مردم خود به عنوان سرمایه اصلی نگاه کنیم، در میان مردم ما استعدادهای خلاق، همت‌های بلند، دل‌های بزرگ و متهور و اندیشه‌های قوی و آماده رقابت وجود دارد. کارهای بزرگ باید به دست این گنج‌های پنهان صورت گیرد. توفیق برنامه‌ریزی ما نه بر اساس حجم عظیم بودجه‌های عمرانی پروژه‌های دولتی، بلکه در میزان توفیق در کشیدن بخش خصوصی ریشه‌دار (و نه دلال و کارچاق کن) به انجام کارهای بزرگ است.»^۱

با پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران، تحولات عظیم و گسترده‌ای در عرصه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پدیدار شد و با تصویب قانون حفاظت و

* - دکتر محمد جواد لاریجانی، مدارهای توسعه، خودتکایی و بخش خصوصی، مجلس و پژوهش شماره ۲، سال ۱۳۷۲.

صنعت و برنامه‌ریزی

مردم، در شور اول به تصویب نمایندگان محترم رسید.

بدون تردید هرگونه قضاوت و تصمیم‌گیری پیرامون مسأله ادغام وزارتخانه‌های صنعتی می‌بایست با عنایت به شرایط خاص تاریخی و رعایت ضرورت‌های عینی چه در عرصه نیازها و مصلحت‌های درونی و چه در گستره وسیع جهان امروز، انجام پذیرد. اندکی تعمق در مهمترین رویدادها و تحولات اقتصادی جهان در سالهای پایانی دهه هشتاد و سالهای آغازین آخرین دهه قرن، نشان می‌دهد که کاهش بوروکراسی و ایفای نقش جدید دولت - به عنوان یک نهاد سیاستگذار و هماهنگ کننده - تنها فلسفه و رمز و راز واقعی پیشرفت چشمگیر ملتها بوده است. تحقیقات به عمل آمده گواه آن است که در ۷۴ کشور از میان ۹۰ کشور صاحب نام جهان در وزارتخانه واحدی عهده‌دار مسئولیت بخش صنعت و معدن است و در ۴۲ کشور از این مجموعه، وزارت «صنایع و تجارت» چنین نقشی را ایفا می‌نماید. نگاهی اجمالی به دستاورد عظیم فراگرد کاهش بوروکراسی و کارآمد ساختن دستگاه دولتی، نقش مهم این تحول ساختاری را در توفیقات اقتصادی مشهودتر و ملموس‌تر خواهد ساخت:

به عنوان مثال جمهوری خلق چین که یکی از قطبهای اصلی و مصادیق بارز اقتصاد دولتی به حساب می‌آید، توانسته

توسعه صنایع ایران (تیرماه ۱۳۵۸)، مسئولیت اداره بسیاری از واحدهای تولیدی به دولت محول گردید. از سوی دیگر، تجاوز برنامه‌ریزی شده رژیم بعث عراق که اندک زمانی پس از به حرکت درآمدن چرخهای سازندگی در ایران، صورت گرفت، موجبات دخالت روزافزون دولت و نظارت گسترده و نوعاً اجتناب‌ناپذیر آن در مسائل اقتصادی را به وجود آورد. در چنین شرایطی قوانین تأسیس وزارتخانه‌های سپاه، جهادسازندگی، معادن و فلزات و بالاخره صنایع سنگین از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت.

با پایان جنگ و به حاصل نشستن مجاهدتهای خستگی‌ناپذیر آحاد مردم که در تبعیت از فرامین رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در برابر جهانی از خصم و نیرنگ مقاومت کردند، تجدید نظر در برخی سیاستها و اصلاح ساختار و تشکیلات دولت در دستور کار مجلس محترم قرار گرفت و به عنوان آغازی تعیین کننده در این راه مهم، دو وزارتخانه موازی در بخش دفاع با یکدیگر ادغام شدند و اینک شاهد آن هستیم که کلیات طرح ادغام وزارتخانه‌های صنعتی با هدف هدایت هرچه بیشتر دولت درمجموعه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و تشویق آن به ایفای نقشی ارشادی و پرهیز از دخالت‌های غیرمنطقی و بالاخره بالابردن کارایی دولت در فعال ساختن منابع موجود و سپردن کار مردم به

است در سایه سیاستهای جدید - که عمدتاً بر محور تشویق بخش خصوصی از طریق تسهیل مقررات و حذف تشکیلات زائد دولتی استوار بود - در طول دهه ۱۹۸۰ به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کند. سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۱۹۸۸ بیش از ۴۶ درصد و ارزش محصولات آن ۴۸۶/۷ میلیارد دلار بوده که این سهم در سال ۱۹۹۱ به ۵۳ درصد رسیده است. صادرات چین از ۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به یکصد میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ رسید و این کشور در سال ۹۲ در رده سیزدهمین صادرکننده جهان قرار گرفته است.

در کشورهای سابقاً کمونیست، از جمله لهستان، مسجارتان و چک، کاهش بوروکراسی و تقلیل منطقی دخالت‌های دولت در امور اقتصادی، شگفتی‌های بزرگی آفریده و لازم است خاطرنشان گردد که در این سه کشور، مسؤلیت اصلی سیاستگذاری و تدوین استراتژی توسعه صنعتی در «وزارت صنایع و تجارت» انجام می‌شود. سهم بخش خصوصی در تولید ناخالص داخلی لهستان در سال ۱۹۹۳، بیش از ۴۵ درصد و سهم بخش صنعت در اقتصاد این کشور ۶۲ درصد گزارش شده است.

در کره جنوبی که وزارت «صنایع و تجارت» حرف اول در استراتژی توسعه صنعتی را می‌زند، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی از ۸/۳ درصد در سال ۱۹۶۱ به ۴۲ درصد در سال ۱۹۹۱ رسیده و میزان صادرات آن از ۴۲/۵ میلیارد دلار در

سال ۱۹۸۷ به ۷۱/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ رسیده که بخش صنعت موجد ۹۶/۸ درصد از این صادرات بوده است.

در ترکیه نیز که وزارت صنایع و تجارت متولی اصلی تدوین استراتژی توسعه صنعتی است، ۳۶ درصد از تولید ناخالص ملی را بخش صنعت به وجود آورده و ۷۸ درصد از کل صادرات ۱۴ میلیارد دلاری آن در سال ۱۹۹۱ به همین بخش تعلق داشته است. در مالزی نیز به همین ترتیب سهم بخش صنعت از رقم ۸ درصد در سال ۱۹۵۷ به ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۱ رسید و صادرات آن از ۲۴۱ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به ۲۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ افزایش پیدا کرد که ۷۱ درصد از آن توسط بخش صنعت تأمین شده است.

در اندونزی سهم دولت در مالکیت بخش صنعت از ۲۸ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۲۴/۴ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش پیدا کرد و در عوض سهم بخش صنعت از ۱۵/۱ درصد در سال ۱۹۸۴ به ۳۳ درصد در سال ۱۹۹۱ افزایش یافت. صادرات صنعتی اندونزی از رقم ۳/۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ به ۱۹/۹۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ رسید.

در گزارش حاضر، پس از مروری اجمالی در پیشینه تفکیک وزارتخانه‌های صنعتی و سبزی در چگونگی اعمال نقش دولت در سایر کشورها (تعداد و نوع وزارتخانه‌های مسئول امور صنعتی) و تأملی در موفقیت‌های شگفت‌انگیز برخی ملتها، پیشنهادات مشخصی برای نحوه رویارویی با چالش کنونی اقتصاد صنعتی

کشور عرضه می‌شود.

اکتشافی

- انجام تحقیقات صنعتی

- مشارکت در مؤسسات سرمایه‌گذاری و فروش سهام دولت در واحدهای صنعتی و معدنی به مردم

- مشارکت در ایجاد شهرهای صنعتی

- صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از

معادن و نظارت بر امر اکتشاف و بهره‌برداری

- اداره و نظارت بر کار شرکتهای: ذوب

آهن، معادن مس سرچشمه، صنایع فولاد،

سازمان زمین‌شناسی سازمان گسترش و

نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع

کوچک، بانک اعتبارات صنعتی، مؤسسه

استاندارد.

ب - تفکیک وزارت صنایع و معادن به سه

وزارتخانه جداگانه

۱- ب - تشکیل وزارت معادن و فلزات

به موجب مصوبه مورخ چهارم مرداد

۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، وزارت

معادن و فلزات از وزارت صنایع و معادن

تفکیک و فعالیت مستقل خود را آغاز کرد.

بر اساس قانون مزبور، مهمترین وظایف

وزارت معادن و فلزات عبارتند از:

- تدوین سیاستها و خط‌مشی‌ها و

برنامه‌ریزی به منظور توسعه فعالیتهای

زمین‌شناسی، اکتشاف، تجهیز و بهره‌برداری

از معادن، ایجاد، گسترش و بهره‌برداری از

صنایع متالورژی

- احداث، گسترش و نوسازی واحدهای

۲. پیشینه تفکیک و ادغام

وزارتخانه‌های صنعتی در ایران

الف - تفکیک وزارت صنایع و معادن از

وزارت اقتصاد

با تصویب مجلسین شورای ملی و سنا

در تاریخ اول مرداد ماه ۱۳۵۳، وزارت

صنایع و معادن از وزارت اقتصاد تفکیک

شد و به صورت وزارتخانه‌ای مستقل و

جداگانه فعالیت خود را آغاز کرد. قبل از این

تاریخ، وزارت اقتصاد مسئول تدوین

استراتژی، سیاستگذاری و پیشبرد

برنامه‌های صنعتی کشور بود.

طبق قانون تأسیس وزارت صنایع و

معادن، مهمترین مسؤولیتهای این وزارتخانه

شامل محورهای ذیل بوده است:

- تنظیم سیاستها، خط‌مشی‌ها و

برنامه‌های صنعتی و معدنی کشور

- نظارت بر فعالیتهای صنعتی و معدنی

بخش غیردولتی

- ارشاد و راهنمایی سرمایه‌گذاران

داخلی و خارجی

- گسترش، نوسازی و افزایش بهره‌وری

صنایع و معدنی کشور

- اعطای کمی و ارائه راهنماییهای فنی به

واحدهای صنعتی و معدنی کشور

- توسعه کمک و بهبود کیفی صنایع

دستی و صنایع کوچک

- انجام بررسیهای زمین‌شناسی و



گسترش، ایجاد، بهره‌برداری، حمایت و هدایت صنایع در محدوده‌های فعالیتهای ریخته‌گری و نورد، آهن‌گری، ماشین‌سازی، ساخت تجهیزات و سازه‌های فلزی، موتور و محرکه‌ها، ساخت و مونتاژ کامل انواع وسایل نقلیه

- تهیه و پیشنهاد برنامه‌های بلند مدت، میان مدت

- کوشش در اخذ و گسترش و ارتقای سطح دانش فنی

۳. نحوه اداره صنایع در جهان امروز کشورهای مختلف جهان برای اعمال نظارت دولت بر فعالیتهای صنعتی، وزارتخانه یا وزارتخانه‌های متعدد دارند. جدول ذیل تعداد و عنوان این وزارتخانه‌ها را نشان می‌دهد:

متالورژی و معدنی
- انجام بررسیهای زمین‌شناسی
- بهره‌برداری از معادن و واحدهای تولیدی متالورژی تحت مدیریت دولت.
با تصویب قانون فوق، وزارت صنایع و معادن از این تاریخ وزرات صنایع نامیده شد.
۲- پ - تشکیل وزارت صنایع سنگین
قانون تأسیس وزارت صنایع سنگین در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و این وزارتخانه فعالیت مستقل خود را در کنار دو وزارتخانه دیگر - وزارت صنایع و وزارت معادن و فلزات - آغاز کرد. مهمترین وظایف وزارت صنایع سنگین بر طبق قانون تأسیس آن، عبارتند از:
- فراهم آوردن موجبات توسعه و

جدول ۱- وزارتخانه‌های مسؤله فعالیتهای صنعت و معدن

ردیف	نام کشور	تعداد	عنوان وزارتخانه‌های مسؤله صنعت و معدن	تعداد کل وزارتخانه‌ها
۱	آرژانتین	۱	وزارت اقتصاد	۱۰
۲	آلمان	۱	وزارت اقتصاد	۱۶
۳	آنگولا	۱	وزارت صنایع	۲۰
۴	اتریش	۱	وزارت صنایع و بازرگانی	۱۳
۵	اتیوپی	۲	وزارت صنایع - وزارت معادن، انرژی و منابع آبی	۲۱
۶	اردن	۱	وزارت تجارت و صنایع	۲۱
۷	اسپانیا	۱	وزارت صنایع و انرژی	۱۵
۸	استرالیا	۲	وزارت تجارت و صنایع - وزارت صنایع اولیه	۲۵
۹	افغانستان	۱	وزارت صنایع و معادن	۱۹
۱۰	اکوادور	۱	وزارت بازرگانی و صنایع	۱۲
۱۱	الجزایر	۳	وزارت صنایع سبک، وزارت صنایع سنگین، وزارت انرژی و صنایع پتروشیمی	۲۸
۱۲	السالوادور	۱	وزارت اقتصاد	۱۵

جدول یک (دنباله) - وزارتخانه‌های مسئول فعالیتهای صنعت و معدن

۱۶	وزارت دارایی و صنایع	۱	امارات متحده	۱۳
			عربی	
۱۴	زیر نظر ریاست جمهوری	-	آمریکا	۱۴
۲۱	وزارت صنایع، وزارت معادن و انرژی	۲	اندونزی	۱۵
۱۶	وزارت صنایع	۱	انگلستان	۱۶
۱۲	وزارت صنایع و انرژی	۱	اروگوئه	۱۷
۲۰	وزارت تجارت و صنایع	۱	ایتالیا	۱۸
۱۱	وزارت صنایع	۱	ایسلند	۱۹
۱۴	وزارت توسعه و صنایع	۱	بحرین	۲۰
۱۶	وزارت صنایع و تجارت، وزارت معادن و انرژی	۲	برزیل	۲۱
۱۶	وزارت اقتصاد	۱	بلژیک	۲۲
۱۱	وزارت صنایع و تجارت	۱	بوتسوانا	۲۳
۲۳	وزارت صنایع	۱	پاکستان	۲۴
۱۱	وزارت صنعت، انرژی و حمل و نقل	۱	پرتغال	۲۵
۱۶	وزارت صنایع و جهانگردی، وزارت انرژی و معادن	۲	پرو	۲۶
۲۰	وزارت صنایع، وزارت معادن	۲	تائوانیا	۲۷
۱۳	وزارت صنایع	۱	تایلند	۲۸
۸	وزارت اقتصاد	۱	تایوان	۲۹
-	وزارت صنایع و تجارت	۱	ترکیه*	۳۰
۱۷	وزارت اقتصاد ملی	۱	تونس	۳۱
-	وزارت صنایع و تجارت	۱	چک**	۳۲
۳۳	وزارتخانه‌های صنایع هواپیمایی، شیمیایی، زغال‌سنگ، الکترونیک، معادن، سبک، ماشین‌سازی، ذوب فلزات، هسته‌ای، نفتی، فضایی، منسوجات	۱۲	جمهوری خلق چین	۳۳
۲۱	وزارت صنایع	۱	دانمارک	۳۴
۱۹	وزارت بازرگانی، صنایع و تجارت خارجی	۱	زامبیا	۳۵
۱۲	وزارت صنایع و تجارت بین‌المللی	۱	ژاپن	۳۶
۱۳	وزارت تجارت و صنایع	۱	سنگاپور	۳۷
۱۲	وزارت صنایع و تجارت	۱	سوئد	۳۸
۷	وزارت اقتصاد	۱	سوئیس	۳۹

* بر اساس آخرین تغییرات

** بعد از اصلاحات سال ۱۹۹۰

جدول یک (دنباله) - وزارتخانه‌های مسئول فعالیتهای صنعت و معدن

۱۷	وزارت صنایع، وزارت انرژی و معدن	۲	سودان	۴۰
۲۴	وزارت صنایع	۱	سوریه	۴۱
۲۳	وزارت صنایع	۱	سومالی	۴۲
۶۲	وزارتخانه‌های مختلف به‌ازای رشته‌های گوناگون فعالیت صنعتی	۲۳	شوروی سابق	۴۳
۲۲	وزارت صنایع و معدن	۱	عراق	۴۴
۲۰	وزارت صنایع و برق	۱	عربستان	۴۵
۱۸	وزارت صنایع و تجارت	۱	فرانسه	۴۶
۱۶	وزارت تجارت و صنایع	۱	فنلاند	۴۷
۱۶	وزارت صنعت و جهانگردی	۱	فیلیپین	۴۸
۱۰	وزارت صنایع و تعاون	۱	قبرس	۴۹
۱۵	وزارت صنایع، معدن و انرژی	۱	کاستاریکا	۵۰
۲۰	وزارت صنایع و تجارت	۱	کانادا	۵۱
۲۰	وزارت صنایع و تجارت	۱	کره جنوبی	۵۲
۱۹	وزارت صنعت و نیرو، وزارت صنایع فلزی	۲	جمهوری خلق کره	۵۳
۲۰	وزارت صنایع پایه، صنایع غذایی، صنایع سبک، صنایع فولاد، وزارت صنعت قند	۵	کوبا	۵۴
۱۶	وزارت صنایع و تجارت	۱	کویت	۵۵
۱۴	وزارت برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه صنعتی	۱	گامبیا	۵۶
-	وزارت صنایع و تجارت	۱	لهستان*	۵۷
۲۴	وزارت اقتصاد و صنایع سبک، وزارت صنایع سنگین	۲	لیبی	۵۸
۲۲	وزارت صنایع و تجارت	۱	مالزی	۵۹
۱۸	وزارت صنایع و منابع معدنی	۱	مصر	۶۰
۱۹	وزارت صنایع و تجارت	۱	مراکش	۶۱
۱۹	وزارت صنایع و تجارت	۱	مکزیک	۶۲
۱۶	وزارت صنایع و نیرو	۱	موزامبیک	۶۳
۱۶	وزارت صنایع	۱	نروژ	۶۴
۲۵	وزارت صنایع، وزارت معدن	۲	نیجریه	۶۵
۲۲	وزارت صنایع	۱	نیکاراگوئه	۶۶
۱۸	وزارت انرژی و معدن	۱	ونزوئلا	۶۷
۱۴	وزارتخانه‌ای تحت این عنوان ندارد	-	هلند	۶۸
۱۹	وزارت صنایع، فولاد و معدن	۱	هند	۶۹

* بعد از اصلاحات سال ۱۹۹۰

صنعت و توانمندی

جدول یک (دنباله) - وزارتخانه‌های مسئول فعالیت‌های صنعت و معدن

	وزارت صنایع و تجارت	۱	مجارستان*	۷۰
۲۱	وزارت صنایع و تجارت	۱	سیرالئون	۷۱
۱۴	وزارت صنایع و تجارت	۱	باربادوس	۷۲
۱۰	وزارت صنایع و تجارت	۱	پاراگوئه	۷۳
۱۲	وزارت صنایع و تجارت	۱	پاناما	۷۴
۱۰	وزارت صنایع و تجارت	۱	تونگا	۷۵
۱۶	وزارت صنایع و تجارت	۱	جامائیکا	۷۶
۱۴	وزارت صنایع و تجارت	۱	دومینیکن	۷۷
۱۷	وزارت صنایع و تجارت	۱	رواندا	۷۸
۳۴	وزارت صنایع و تجارت	۱	زلاندنو	۸۹
۹	وزارت صنایع و تجارت	۱	سوازیلند	۸۰
۱۸	وزارت صنایع و تجارت	۱	پادشاهی عمان	۸۱
۱۵	وزارت صنایع و تجارت	۱	لسوتو	۸۲
۱۸	وزارت صنایع و تجارت	۱	لیبریا	۸۳
۱۶	وزارت صنایع و تجارت	۱	ماداگاسکار	۸۴
۱۱	وزارت صنایع و تجارت	۱	مالاوی	۸۵
۱۷	وزارت صنایع و تجارت	۱	مالدیو	۸۶
۱۷	وزارت صنایع و تجارت	۱	موریتانی	۸۷
۱۴	وزارت صنایع و تجارت	۱	هائیتی	۸۸
۱۷	وزارت صنایع	۱	نیجر	۸۹
۱۴	وزارت صنایع	۱	جیبوتی	۹۰

* بعد از اصلاحات سال ۱۹۹۰

دارد که در میان آنها نام کشورهایی چون آلمان، انگلستان، سوئد، افغانستان و سومالی دیده می‌شود. در دو کشور آمریکا و هلند نیز هیچگونه وزارتخانه‌ای برای امور صنعتی وجود ندارد. در هشت کشور از این مجموعه از جمله آرژانتین، سوئیس، بلژیک، تایوان، السالوادور و تونس مسئولیت تدوین استراتژی توسعه صنعتی و تجاری به وزارت اقتصاد محول شده است.

بررسی تعداد و عنوان وزارتخانه‌های مسئول امور صنعتی در کشورهای مختلف جهان نتایج مهم و قابل توجهی را به دست می‌دهد که ذیلاً به عمده‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف - تعداد وزارتخانه‌های صنعتی

در ۷۴ کشور از ۹۰ کشور مورد بررسی، وزارتخانه واحدی برای امور صنعتی وجود



شده است. این مجموعه ۴۲ عضوی، طیف وسیعی از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی تا کشورهای در حال توسعه از قاره آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا را در بر می‌گیرد:

ب - وزارت صنایع و تجارت
در ۴۲ کشور از ۹۰ کشور مورد مطالعه، مسؤلیت اصلی تدوین استراتژی، سیاستگذاری و پیشبرد امور صنعتی و تجاری به «وزارت صنایع و تجارت» محول

کشورهایی که تدوین استراتژی صنعتی، تجاری آنها به عهده وزارت صنایع و تجارت است

۱- ژاپن	۱۰- مالزی	۱۹- اکوادور	۲۸- پاناما	۳۷- لیبیا
۲- سوئد	۱۱- لهستان	۲۰- کویت	۲۹- تونگا	۳۸- ماداگاسکار
۳- اتریش	۱۲- مجارستان	۲۱- اردن	۳۰- جامائیکا	۳۹- مالای
۴- فنلاند	۱۳- چک	۲۲- بوتسوانا	۳۱- دومینیکن	۴۰- مالدیو
۵- کانادا	۱۴- ترکیه	۲۳- زامبیا	۳۲- رواندا	۴۱- هائیتی
۶- کره جنوبی	۱۵- اسپانیا	۲۴- مراکش	۳۳- زلاندنو	۴۲- موریتانی
۷- فرانسه	۱۶- استرالیا	۲۵- سیرالئون	۳۴- سوازیلند	
۸- ایتالیا	۱۷- برزیل	۲۶- باربادوس	۳۵- پادشاهی عمان	
۹- سنگاپور	۱۸- مکزیک	۲۷- پاراگوئه	۳۶- لسوتو	

دانشگاهها و نهادهای آموزش عالی را پیرامون تکنولوژی و طراحی‌های صنعتی به آن وزارتخانه مستقل و بدین ترتیب وزارتخانه‌ای تحت عنوان وزارت علوم و تکنولوژی پیش‌بینی نموده‌اند.
ه: در تکمیل بحث پیرامون تأثیرات متقابل کاهش بوروکراسی و رشد تولید ناخالص داخلی توجه به جدول شماره ۲ می‌تواند مفید باشد.

ج - وزارت معادن و انرژی
این بررسی نشان می‌دهد که در هشت کشور جهان از جمله اثیوپیا، سودان، نیجریه، تانزانیا، برزیل، پرو و کاستاریکا در کنار وزارت صنایع، وزارتخانه دیگری تحت عنوان «وزارت معادن و انرژی» فعالیت می‌کند که مسؤلیت آن نظارت بر اکتشاف و استخراج معادن و تأمین انرژی است.

۴. چهره و ساختار صنعت ایران
صنعت در ایران عمدتاً در سه وزارتخانه صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات تقسیم گردیده است. سهم دو وزارتخانه صنایع سنگین و صنایع، افزون بر

د - وزارت علوم و تکنولوژی
یکی دیگر از یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که در هفت کشور (آلمان، اتریش، کانادا، هندوستان، استرالیا، پاکستان و نیجریه) سیاست توسعه تکنولوژی را وزارت علوم ملحوظ ساخته و ضمناً مسؤلیت مطالعه

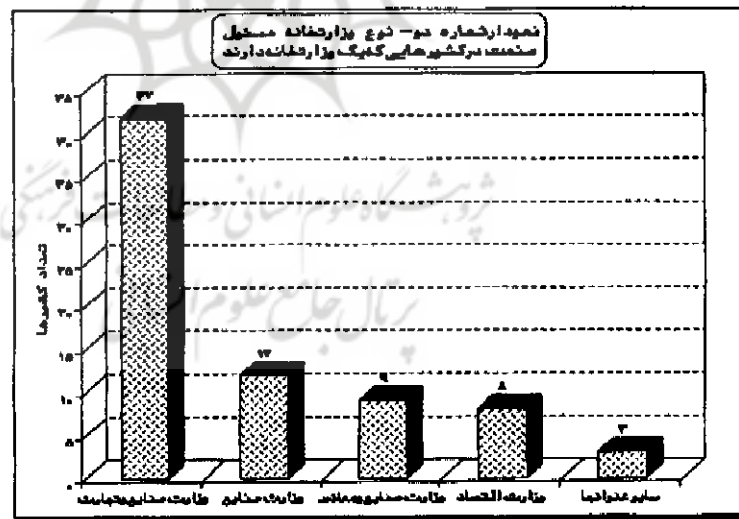
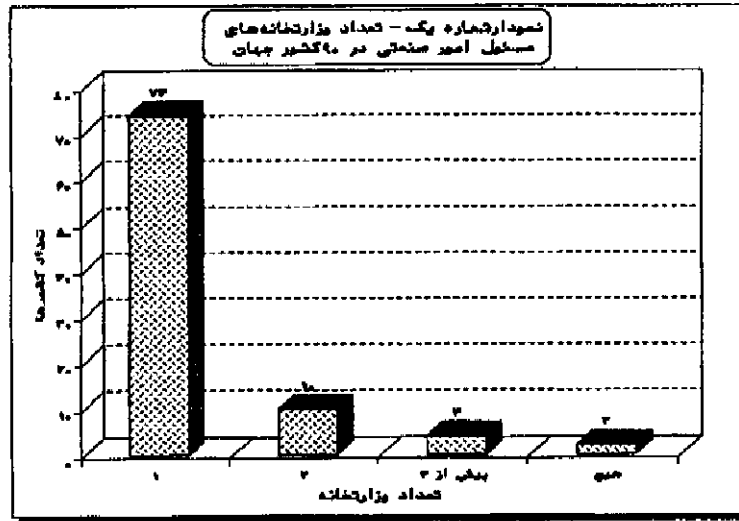
جدول ۲- تولید ناخالص داخلی کشورها و تعداد وزارتخانه‌ها (سال ۱۹۹۱)

تعداد کل وزارتخانه‌ها	میزان تولید ناخالص داخلی (میلیارده دلار)	نام کشور
۷	۲۰۵	سوئیس
۸	۱۴۶	تایوان
۱۲	۳۱۵۸	ژاپن
۱۳	۱۳۶	اتریش
۱۴	۵۵۶۷	آمریکا
۱۴	۲۴۵	هلند
۱۶	۱۴۸۲	آلمان
۱۶	۸۸۵	انگلستان
۱۶	۱۶۷	بلژیک
۱۶	۱۰۰	نروژ
۲۱	۵/۵	اردن
۲۲	۶	اتیوپی
۲۲	۴۴	عراق
۲۸	۵۶	الجزایر

درصد بوده است)، میزان ارزش افزوده بخش در سال ۱۳۷۱ هنوز ۱۵ درصد از هدف کمی برنامه فاصله داشته و مضاف بر آن، منابع عظیم ارزی به صورت کنترل نشده در صنایع مصرفی هزینه شده و به همین دلیل ساختار صنعت ایران هر چه بیشتر مصرفی و غیرکارا گردیده و در مقابل نوسانات ارزی، فاقد قابلیت‌های زیست‌مندی صادرات و حتی رقابت با کالاهای خارجی در داخل گردیده است. شاهد مثال، خبرهای مربوط به افتتاح هر ساله هزاران واحد

۹۰٪ ارزش افزوده بخش می‌باشد و وزارت معادن و فلزات حدود ۷ درصد از کل ارزش افزوده بخش را عهده‌دار است. به نظر می‌رسد که با توسعه‌های همه جانبه آینده، این رقم به حدود ۱۲ درصد برسد.

در طول سالهای برنامه پنجساله اول (۶۸-۷۱) علیرغم پایان جنگ تحمیلی و سرازیر شدن منابع ارزی به بخش صنعت و ضرورت استفاده گسترده از ظرفیتهای خالی (با توجه به این واقعیت که نرخ بهره‌برداری از ظرفیتهای موجود در سال ۱۳۶۷ فقط ۲۲



صنعت و برنامه‌ریزی

نشان می‌دهد که سهم بخش خصوصی در تولید ناخالص داخلی در ایران تنها چهارده درصد است، این رقم در مقایسه با کشوری مانند لهستان که تنها ۲ سال از خاتمه حکومت کمونیستی در آن می‌گذرد و متجاوز از شصت درصد تولید ناخالص داخلی‌اش توسط بخش خصوصی انجام می‌شود، قابل توجه و عنایت است.

اندکی تعمق در رخصاره بخش صنعت ایران نشان می‌دهد که مهمترین هدف ناظر بر تفکیک وزارتخانه‌های صنعتی یعنی افزایش کارایی و بالابردن سهم این بخش در کل اقتصاد کشور، طی سالهای مذکور جامعه عمل نبوده و حتی در سال ۶۷ نسبت به سال ۶۲ با کاهشی به مراتب بیشتر مواجه شده است.^{۱۱} گزارش کمیته برنامه‌ریزی بخش صنعت، اصلی‌ترین مشکلات بیرونی صنعت را فقدان استراتژی مشخص توسعه صنعتی دانسته و چنین نتیجه‌گیری کرده که تفرق وزارتخانه‌های مسئول و ناهماهنگی در سیاستگذاری آنها، «خردنگری» تا حد مقام وزیر و ورود این دستگاه‌ها به مسائل ریز اجرایی (تا تصدی واحدهای صنعتی) موانع اول در دستیابی به استراتژی توسعه می‌باشد. مضاف بر اینها تمایل مفرط این دستگاه‌ها برای حفظ وضع موجود است که به عنوان گرایش طبیعی بوروکراسیهای جا افتاده قابل درک می‌باشد.

صنعتی است - البته بیشتر کارگاه‌هایی کوچک، بدون بازار و بدون تأثیر در امر توسعه و خودکفایی هستند - و متأسفانه مسئولان صنایع کشور، بدون توجه به این جنبه‌ها، اینگونه سرمایه‌گذاریهایی هدف را نیز تشویق می‌کنند. یک مطالعه انجام شده حاکی است که قریب به سیصد هکتار سوله بدون ماشین آلات در کشور وجود دارد که این سرمایه عظیم، صرفاً در نتیجه فقدان پیش صنعتی در کشور، راکد مانده است.

مضاف بر اینها، در بعد صادرات نیز نتایج حاصله همچنان از هدفهای قبلی برنامه عقب‌تر بوده و فقط ۶۰ درصد آن تحقق پیدا کرده است. از سوی دیگر درحالیکه مقارن با اجرای برنامه پنجساله اول در ایران، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورها روندی صعودی پیدا کرده و به عنوان مثال در چین ۵۳ درصد، لهستان ۶۲ درصد، مالزی و ترکیه ۳۹ درصد، اندونزی ۳۳ درصد، کره جنوبی ۴۲ درصد و مجارستان ۴۵ درصد گزارش شده، این رقم در مورد ایران حدود ۱۵ درصد اعلام گردیده است. نکته حائز اهمیت آن است که سهم دولت به عنوان کارفرما در تولید ناخالص داخلی در بخشهای مختلف اقتصادی همچنان رقم اصلی را تشکیل می‌دهد و به این ترتیب بار دولت در بخش صنعت به ویژه در برنامه دوم همچنان مشحون از تعهدات و فشار خزانة خواهد بود. مطالعات انجام شده

۱۱- تولید ناخالص داخلی در فاصله سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۳)، سالانه بطور متوسط ۷/۲ درصد کاهش یافته است.

۵. مروری بر تجارب ارزشمند کشورهای نو صنعتی

۱- چین؛ نمونه‌ای موفق در بازسازی تشکیلات دولتی

بررسی منابع معتبر جهانی^(۱) پیرامون تحولات اقتصادی چین در دهه ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که سرعت عمل دولت چین در بازسازی بخش دولتی، حذف تشکیلات غیرضرور و اصلاح نظام اداری مهمترین پشتوانه این کشور در دستیابی به موفقیت‌های شگفت‌انگیز در زمینه‌هایی چون افزایش تولید صنعتی و رشد مستمر سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی بوده است.

دولت چین در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸، استراتژی توسعه صنعتی خود را دگرگون ساخت و به تدریج به سوی اصلاحات اقتصادی گام برداشت و طی دوره‌ای از تجارب منطقه‌ای و ملی، راه تقویت نیروهای بازار و ایجاد انگیزه برای افزایش کارایی صنعتی را در پیش گرفت. ارزش محصولات بخش صنعت در این کشور طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ سالانه بطور متوسط ۱۳/۷ درصد رشد داشته است. بخش صنعت بزرگترین بخش در اقتصاد ملی چین به حساب می‌آید و در سال ۱۹۸۸ متجاوز از ۴۶ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده و ارزش محصولات آن به ۴۸۶/۷ میلیارد دلار بالغ گردید.

چین به واسطه اصلاحات سریع خود، در زمینه جذب سرمایه‌ها و بکارگیری آن در

فعال ساختن منابع موجود کشور، کاملاً ترین توفیق بوده و کافی است اشاره شود که ژاپنی‌ها میزان سرمایه‌گذاری خود را در چین از رقم ۱۱۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۴ به ۱۲۲۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ افزایش داده‌اند و منابع خارجی میزان سرمایه‌گذاری ژاپنی‌ها را در سال ۱۹۹۳ در چین تا ۲/۱ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.^(۲) همچنین طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ متجاوز از ۸۴۰۰۰ فقره سرمایه‌گذاری مشترک با طرفهای خارجی در چین ثبت شده که ۴۷۰۰۰ مورد آن فقط در سال ۱۹۹۲ انجام شده است.

موفقیت‌های چین در امر توسعه صادرات، خارق‌العاده است. در نتیجه اصلاح ساختار و بهبود سازمان تولید از یک سو و تغییر استراتژی توسعه صنعتی و صادرات نگری آن، سهم صادرات در تولید ناخالص ملی از رقم ۳/۹ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۷/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۱۵ درصد در سال ۱۹۸۸ رسید و میزان صادرات از ۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۳۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ و ۸۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ افزایش پیدا کرد. و گزارش‌های موجود حاکی است که این رقم در سال ۱۹۹۳ از مرز یکصد میلیارد دلار فراتر رفته و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۰ به یکصد و پنجاه (۱۵۰) میلیارد دلار بالغ گردد. به همین دلیل چین توانسته است در سال ۱۹۹۲ به رده سیزدهمین کشور صادرکننده جهان صعود نماید. سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۱۹۹۱ حدود ۵۳ درصد اعلام شده است.

۲- مالزی؛ بازسازی تشکیلات دولتی و

دستیابی به موفقیت‌های بزرگ اقتصادی
 براساس گزارش وزارت صنایع و
 تجارت بین‌المللی مالزی^(۳)، مهمترین
 اقدامات دولت به منظور مهیا شدن برای
 حضور در پیکارها و رقابتهای شدید
 بین‌المللی در دهه ۱۹۸۰ شامل محورهای
 زیر بوده است:

الف - ایجاد ثبات سیاسی و حاکمیت قانون
 در کشور

ب - منطقی ساختن دخالت‌های دولت در
 امور اقتصادی و گسترش ارتباطات متقابل
 بخش دولتی و بخش خصوصی

ج - ایجاد تمرکز در نظام سیاست‌گذاری و
 تدوین استراتژی توسعه صنعتی و محور
 قرار دادن آن به عنوان مسؤلیت اصلی
 وزارت صنایع و تجارت

د - استفاده کارآمد از مکانیسمهای اقتصادی
 بازار - محور

ه - تقویت نقش و گسترش میزان مشارکت
 بخش خصوصی در مسائل اقتصادی

و - تسهیل مقررات و عملیات مربوط به
 سرمایه‌گذاری و حذف موانع بوروکراتیک
 در کار جذب سرمایه‌ها و مشارکت فعال مردم
 ز - آزادسازی در تجارت خارجی و اولویت
 دادن به ارتقای تکنولوژی و توسعه
 صادرات

ح - اولویت دادن به صنایع واسطه‌ای و
 سرمایه‌ای و تأکید بر توسعه صنایع کوچک
 و متوسط صادراتی

ط - توسعه و تقویت امور زیربنایی
 ی - ایجاد صندوق حمایت از برنامه‌های
 تعدیل اقتصادی و اعطای انواع وام و اعتبار.
 مالزی، کشوری واقع در شرق آسیا با
 مساحت تقریبی ۳۳۰ هزار کیلومتر مربع و
 ۱۶ میلیون نفر جمعیت، در سال ۱۹۵۷ به
 استقلال سیاسی رسیده است. این کشور از
 نیمه دوم دهه هفتاد، استراتژی توسعه
 صنعتی خود را براساس سیاست درهای باز
 و توسعه صادرات تدوین کرد. در سایه نظام
 تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری منسجم و
 کارکرد نمربخش دستگاه دولتی، مالزی یک
 شبه رهی صد ساله طی کرده و سهم بخش
 صنعت در تولید ناخالص داخلی این کشور
 از رقم ۸ درصد در سال ۱۹۵۷ به ۱۹/۶
 درصد در سال ۱۹۸۰ و ۳۹ درصد در سال
 ۱۹۹۱ افزایش پیدا کرده است. با تصویب
 قانون تشویق سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۸۶،
 حجم سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از
 ۱/۸ میلیارد دلار در همین سال به بیش از ۱۱
 میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ رسید که ۷
 میلیارد دلار از این مبلغ (۶۴ درصد کل) از
 محل سرمایه‌های خارجی تأمین شده است.
 صادرات مالزی از رقم ۲۴۱ میلیون دلار در
 سال ۱۹۷۰ به حدود ۲۸ میلیارد دلار در سال
 ۱۹۹۲ رسیده و در طول شش سال بعد از
 تصویب قانون سرمایه‌گذاری، جمعاً معادل
 ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته
 که ۲۹ میلیارد دلار آن از منابع خارجی
 (سرمایه‌گذاریهای مشترک) تأمین گردیده



سریعاً به سمت حرکت بیشتر در جهت کاستن از وابستگی به نفت و تنوع بخشیدن به شرایط اقتصادی و نقش هرچه بیشتر بخش خصوصی، رشد کرده است. ما از اقتصادی با برنامه‌ریزی متمرکز و دستوری به اقتصادی انعطاف پذیر و غیرمتمرکز و مبتنی بر بازار، تغییر جهت داده‌ایم و با برداشتن مقررات دست و پاگیر در هر بخشی از فعالیتها، مؤسسات اقتصادی را از نو به وظیفه اصلی خود بازگردانیده‌ایم... ما بخشهای کلیدی اقتصاد را برای رقابت بازکردیم، صدور پروانه و مجوز را تقلیل دادیم و دستورالعملهای اداری را ساده کردیم و از این طریق انگیزه‌های بهتری را برای بخش خصوصی فراهم آوردیم.^(۴)

در اندونزی، دولت پیشین سیاستی مداخله گرایانه و درون‌گرا اتخاذ کرده بود که با کاهش درآمدهای نفتی در سال ۱۹۶۰، درآمدهای دولت کاهش یافت و به دلیل کمبود ارز، صنایع با کمبود مواد خام و قطعات یدکی مواجه شدند. از سال ۱۹۶۶ با روی کار آمدن دولت جدید (سوهارتو)، دولت اصلاحات وسیعی را در بخش صنعتی ایجاد کرد و برای توسعه بخش خصوصی اولویت زیادی قائل شد. در برنامه چهارم (۸۴-۱۹۷۹) همزمان با کاهش قیمت جهانی نفت و نزول درآمدهای دولت، توسعه صنایع کوچک و جذب سرمایه و مشارکت همه جانبه در صنایع اندونزی، با هدف توسعه صادرات مورد توجه واقع شد. بدین ترتیب سهم دولت در مالکیت بخش صنعت از ۲۸ درصد در سال

است.

برهان قاطع و نشانه بارز موفقیت چشمگیر مالزی در پیشبرد اصلاحات ساختاری و هدایت منابع موجود در زمینه‌های استراتژیک صنعتی، همانا متحول شدن ساختار صادراتی کشور می‌باشد. طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ سهم بخش کشاورزی در صادرات مالزی از ۵۶/۲ درصد به ۱۵/۵ درصد کاهش پیدا کرده و در مقابل، سهم بخش صنعت در همین مدت از ۱۱/۹ درصد به ۶۸/۵ درصد رسید که حاکی از رشد سالانه‌ای به میزان ۲۴/۱ درصد بوده است. به موجب پیش‌بینی وزارت تجارت و صنایع مالزی، سهم بخش صنعت در صادرات کشور از رقم ۷۱ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۸۱/۸ درصد تا سال ۲۰۰۰ افزایش پیدا خواهد کرد.

۳- اندونزی؛ کارایی در سیاستگذاری و نیل به موفقیت‌های بزرگ اقتصادی

آقای دکتر سود راجاه جواندو، رئیس کل بانک مرکزی اندونزی که برای چندین دهه مهمترین مسزولیت‌های اقتصادی این کشور را برعهده داشته، در سخنرانی خود چنین خاطر نشان می‌کند:

«۲۵ سال پیش اندونزی یکی از فقیرترین کشورهای جهان با درآمد سرانه‌ای تنها معادل ۷۰ دلار بود و در سال ۱۹۷۰ نزدیک به ۷۰ میلیون نفر یا ۶۰ درصد جمعیت کشور در فقر مطلق به سر می‌بردند. در نتیجه یک رشته اصلاحات ساختاری اساسی از اوایل دهه ۱۹۸۰ اقتصاد اندونزی

صنعت و برنامه‌نوی

آمد، این سهم به ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است.

در طول سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۹ جمعاً ۲۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در اندونزی به تصویب رسیده است. میزان جذب سرمایه خارجی در سال ۱۹۹۰ در حدود ۸/۷ میلیارد دلار گزارش شده است.

تمهیدات دولت اندونزی برای تشویق بخش خصوصی جهت مشارکت ورزیدن در فعالیتهای اقتصادی کاملاً ثمربخش بوده زیرا سهم این بخش در کل سرمایه‌گذاری از رقم ۴۹ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۶۲ درصد در سال ۱۹۸۹ رسیده است.

۴- کره جنوبی؛ کاهش بوروکراسی و تمهد برنامه‌ای

در کره جنوبی مسؤولیت تدوین استراتژی و تعیین سیاستهای توسعه صنعتی به یک وزارتخانه واحد تحت عنوان وزارت صنایع و تجارت محول شده است. در نتیجه اجرای برنامه‌های توسعه، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی کره از رقم ۸/۳ درصد در سال ۱۹۶۱ به ۳۱/۳ درصد در سال ۱۹۸۹ افزایش یافته و در همین مدت سهم بخش صنعت در کل اشتغال کشور از ۵ درصد به ۲۸/۲ درصد و سهم آن در کل صادرات به ۹۶/۸ درصد رسیده است. (۸) در سال ۱۹۹۱ سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی ۴۲ درصد اعلام شده است.

کره جنوبی با تولید ۲۶ میلیون تن فولاد،

۱۹۷۵ به ۲۴/۴ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش پیدا کرد. (۵)

سهم بخش صنعت از ۱۵/۱ درصد تولید ناخالص داخلی اندونزی در سال ۱۹۸۴ به ۳۳ درصد در سال ۱۹۹۱ افزایش پیدا کرد و صادرات صنعتی از رقم ۲/۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ به ۱۱/۱۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۹ و ۱۹/۹۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ رسید. کل صادرات نیز از رقم ۱۹/۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ به ۳۳/۹۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ رسیده و در همین سال ارزش صادرات غیرنفتی ۲۳/۳۰ میلیارد دلار گزارش شده است. (۶)

آقای «هارتارتو» (Hartarto) وزیر هماهنگ کننده امور صنعتی اندونزی در گزارش خود چنین اظهار می‌دارد: «در اوایل دهه ۱۹۸۰ نفت و گاز ۷۰ درصد صادرات اندونزی را تشکیل می‌داد که اینک به ۳۵ درصد کاهش یافته و طی دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ سهم صادرات غیرنفتی از ۳۲ درصد به ۶۰ درصد رسید که ۶۸ درصد از این صادرات غیرنفتی را بخش صنعت تأمین کرده است.» (۷)

توفیق درخشان در جذب سرمایه‌های خسار جسی، گواه بارز تحقق اصلاحات ساختاری در اندونزی بحساب می‌آید. سهم سرمایه خارجی در سرمایه‌گذاری ناخالص ملی از ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۲ کمتر از ۱۰ درصد بود که همراه با آزادسازی اقتصادی و به ویژه تسهیلات قانونی که از ۱۹۶۸ فراهم

سرمایه‌های خارجی از رقم ۲۲۸ میلیون دلار در دوره ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۰ به رقم ۹/۴ میلیارد دلار طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۲ افزایش پیدا کرده است.^(۱۱)

۶- لهستان؛ مشارکت گسترده بخش خصوصی در کنار بازسازی تشکیلات دولت صندوق بین‌المللی پول در گزارش خود بر سرعت عمل دولت لهستان در بازسازی تشکیلات دولتی، آزادسازی در تجارت خارجی و خصوصی‌سازی طی سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ تأکید کرده و نتایج این اقدامات را مثبت ارزیابی نموده است. در جریان بازسازی تشکیلات دولتی، مسئولیت تدوین استراتژی و تنظیم سیاستهای صنعتی به وزارت صنایع و تجارت محول گردیده است.

میزان بدهی خارجی لهستان از ۴۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ به ۱/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ کاهش پیدا کرده و در نتیجه تشویقاتی که به عمل آمده، روند سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به سرعت متحول شد، به طوری که در سال ۱۹۹۱ مبلغ یک میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۲، بیش از ۲ میلیارد دلار توسط کشورهای خارجی به ویژه آلمان، وارد لهستان شده است. نرخ تورم در این کشور از رقم ۶۰۰ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۱ و ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۳ رسیده و ۱/۳ از شرکتهای دولتی یعنی ۲۰۰۰ شرکت در این مدت به بخش خصوصی واگذار شده است. در حال حاضر ۴۵ درصد از تولید ناخالص داخلی لهستان

ششمین تولید کننده فولاد جهان در سال ۱۹۹۱ بوده و صنایع خودروسازی آن که ۴۰۰/۰۰۰ نفر را تحت پوشش دارد، در همین سال ۱/۵ میلیون دستگاه اتومبیل تولید کرده است. میزان صادرات کره از رقم ۴۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ به رقم ۷۱/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ رسیده و در همین مدت تولید ناخالص ملی این کشور از ۱۳۱/۷ میلیارد دلار به ۲۸۳ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است.^(۹)

۵- ترکیه؛ برنامه‌ریزی صنعتی و حذف موانع بوروکراتیک

در ترکیه، مسئولیت تدوین استراتژی و تنظیم سیاستهای توسعه صنعتی به عهده «وزارت صنایع و تجارت» محول شده است. تولید ناخالص ملی ترکیه در سال ۱۹۹۱، نزدیک به ۱۵۰ میلیارد دلار و درآمد سرانه آن ۲۶۰۰ دلار گزارش شده است. در همین سال ترکیه به ۱۴ میلیارد دلار صادرات دست پیدا کرده که ۷۸ درصد آن از محل صدور محصولات صنعتی تأمین شده و سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی ۳۶ درصد بوده است.^(۱۰)

با توجه به این واقعیت که زیان شرکتهای دولتی در ترکیه ۱/۳ کسر بودجه دولت را ایجاد می‌کرده، مسأله فروش این شرکتها در دستور کار قرار گرفته و طی سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۲ بیش از یک میلیارد دلار از محل فروش شرکتهای دولتی عاید شده است. در نتیجه تسهیل مقررات و آزادسازیهای اقتصادی و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، میزان جذب

صنعت و برنامه‌ریزی

چکسلواکی به در جمهوری چک و اسلواک تقسیم شد. در جمهوری چک روند اصلاحات به سرعت انجام شد و در فرایند بازسازی تشکیلات دولتی، وزارت صنایع و تجارت به عنوان متولی اصلی تدوین استراتژی و تنظیم سیاستهای توسعه صنعتی ایجاد گردید.

نرخ تورم در جمهوری چک از رقم ۵۷ درصد در سال ۹۱ به ۱۱ درصد در سال ۹۲ کاهش یافته و نرخ بیکاری به کمتر از ۳ درصد رسیده است. در سال ۱۹۹۱ تعداد ۲۲۵۰۰ شرکت به بخش خصوصی واگذار شد و در سال ۱۹۹۲ نیز مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این کشور ثبت گردیده است. گفتنی است که سازمان توسعه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در کشور چک زیر نظر وزارت صنایع و تجارت فعالیت می‌کند. (۱۴)

۶. سخن آخر

ادغام وزارتخانه‌های صنعتی؛ پاسخی دیر هنگام به مهمترین ضرورت‌های توسعه صنعتی در ایران

۱- تفکیک وزارتخانه‌های صنعتی و تبدیل وزارت صنایع و معادن به سه وزارتخانه مستقل و نیز تأسیس سازمانهای متعدد، چگونگی در شرایطی انجام پذیرفت که به دلیل وقوع انقلاب و بروز جنگ، دخالت گسترده دولت در کلیه امور اقتصادی، امری محتوم و اجتناب‌ناپذیر بود.

توسط بخش خصوصی ایجاد می‌شود و ۵۰ درصد از نیروی کار این کشور در همین بخش فعالیت می‌کند. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، میزان تولیدات صنعتی لهستان در دسامبر ۱۹۹۲ نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۱۷ درصد رشد داشته (۱۲)، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۱۹۹۱، نزدیک به ۶۲ درصد اعلام شده است.

۷- مجارستان؛ آزادسازی و بازسازی دولت

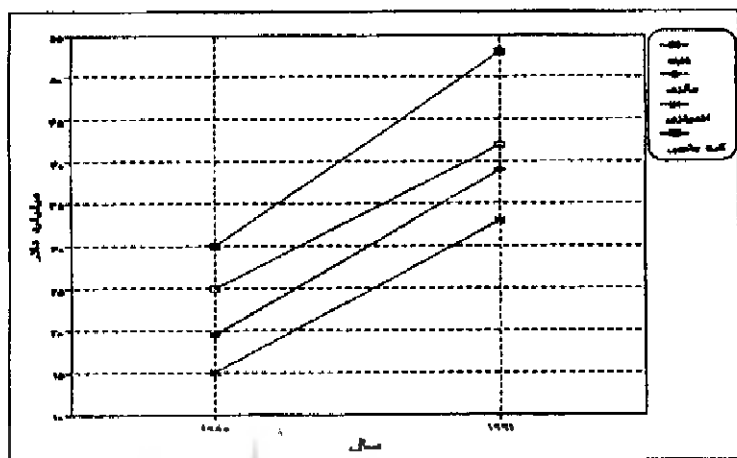
به دنبال تحولات سیاسی اواخر دهه ۱۹۸۰، دولت مجارستان مسیر اصلاحات اقتصادی و به ویژه بازسازی تشکیلات دولتی را با سرعت طی کرد و در این کشور نیز مسئولیت تدوین استراتژی و تنظیم سیاستهای توسعه صنعتی به وزارت صنایع و تجارت محول شده است. در فاصله سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ جمعاً ۱۸۰۰۰ فقره سرمایه‌گذاری مشترک به ارزش متجاوز از ۶ میلیارد دلار امضا شده و تعداد واحدهای صنعتی بخش خصوصی از ۱۶۰ هزار واحد به ۳۵۰ هزار واحد افزایش پیدا کرده است. (۱۳) در سال ۱۹۹۱ بخش صنعت ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی مجارستان را تشکیل داده است.

۸- جمهوری چک؛ اصلاحات در دولت و توسعه خصوصی‌سازی

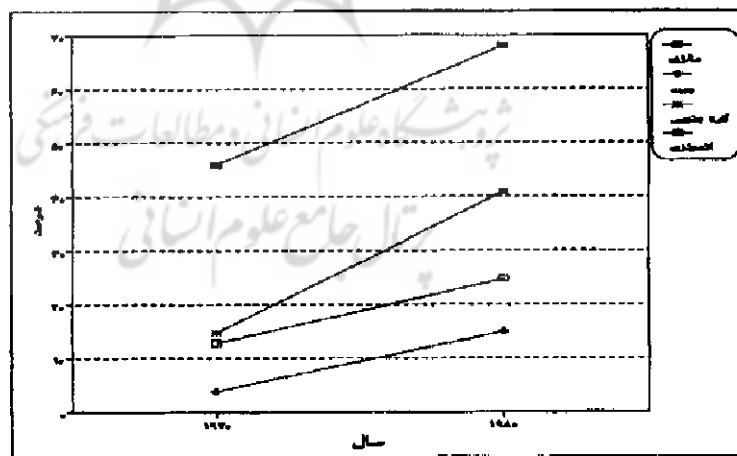
در پی رویدادهای سیاسی سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ در اروپای شرقی، کشور



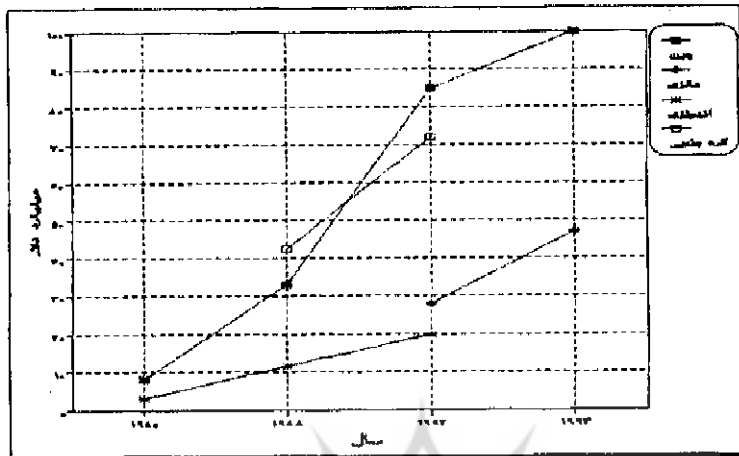
نمودار شماره ۳- رشد سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۸۰ در چند کشور
(تأثیرات ناشی از کاهش تعداد وزارتخانه‌ها و تخفیف بوروکراسی)



نمودار شماره ۴- رشد سهم صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۸۰
در چند کشور جهان
(تأثیرات ناشی از کاهش تعداد وزارتخانه‌ها و تخفیف بوروکراسی)



نمودار شماره ۵- رشد صادرات صنعتی در چند کشور جهان
(تأثیرات ناشی از کاهش تعداد وزارتخانه‌ها و تخفیف بوروکراسی)



صنایع واسطه‌ای که ارتباط نزدیکی با معادن کشور می‌تواند داشته باشد، ایضاً در صنایع سرمایه‌ای به دلیل قطع رابطه بویا با صنایع مصرفی بسیار ضعیف بوده و لهذا فعالیت بخش را عمیقاً وابسته به خارج نگه داشته و متأسفانه با گذشت زمان دامنه وابستگی افزون‌تر گردیده است.

۴- هدایت صنعتی در ایران امری است که مورد غفلت قرار گرفته است. افتتاح هزاران واحد صنعتی مصرفی در کشور که حتی بازار برای محصولات خود ندارند، و وجود صدها هکتار سوله گویای فقدان استراتژی صنعتی و عدم هماهنگی درون بخشی است.

۷- بخش معادن و فلزات که حدود

۲- درست به موازات همین رویداد در ایران، بسیاری از کشورها تحت تأثیر ضرورت‌های تاریخی و عینی، راه دشوار ولی محتوم روی برتافتن از سیاست‌های پیشین و دورشدن از مرزهای دخالت مستقیم و گسترده دولت و بالطبع راکد ماندن ظرفیتهای عظیم صنعتی و بالاخره نزدیک شدن تدریجی به مرزهای سعادت و فعال ساختن استعدادها و منابع بالقوه را پس شتابان در پیش گرفته و به نتایج چشمگیری نیز نایل شدند.

۳- وضعیت کنونی بخش صنعت به ویژه از نظر سهم صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای و انتقال تکنولوژی، غیرکارآ و وابسته است. ضمناً ارتباطات درون بخشی بویژه در

درصد ارزش افزوده بخش را عهده‌دار است، در صورت هماهنگی در مجموعه بخش، می‌تواند تأثیرات چشمگیری در توسعه بخش صنعت داشته باشد.

ع با استناد به تجارب ارزشمند سایر ملتها و از آن مهمتر با الهام از مبانی نظری و فقهی باید پذیرفت که کاهش بوروکراسی و کارآمد ساختن نقش دولت در ارشاد و هماهنگ نمودن فعالیتها از یک سو، و پررنگ ساختن نقش مردم و به کارگرفتن منابع و استعدادهای سرشار و عظیم آنان در ایجاد و اداره واحدهای تولیدی ازسوی دیگر، دوروی یک سکه می‌باشند، سکه همیشه مقبول توسعه و بهروزی اقتصادی.

۷- وزارتخانه جدید، کارهای زیادی را باید به انجام برساند. وزیر جدید باید مکلف بشود برای انجام وظایف خطیر خود، با برنامه مدون به مجلس بیاید و تصویب مجلس را برای اهداف و برنامه‌های خود دریافت نماید. باید مجلس این بار عزم قاطع خود را برای حل و فصل معضلات کهنه صنعت بکار بندد و الا تاریخ می‌گذرد و مشکلات کهنه صنعت، در آینده باز هم بیشتر بر گرده اقتصاد ملی سنگینی نموده و آنرا مواجه با مشکلات مضاعفی خواهد نمود.

عمده‌ترین وظایف خطیر وزارتخانه جدید به عنوان تنها مسئول و ناخدای کشتی صنعت در محیط پرتلاطم رقابت‌های جهانی را محورهای اصلی زیر تشکیل دهد:

- * تدوین استراتژی توسعه صنعتی کشور

- * تهیه و تنظیم قانون جدید صنایع و معادن و انجام اصلاحات اساسی در قوانین پیشین به ویژه قانون معادن

- * رها ساختن آن دسته از شرکتها و واحدهایی که تاکنون به غلط در اختیار یا انحصار دولت قرار داشته و حاصلی جز انحراف از مسیر کارایی اقتصادی به بار نیاورده است. برخی از این انحصارات (نظیر دخانیات) بازمانده دوران علی اکبرخان داور و کابینه رضاخان است که هر چه بیشتر دست مردم را از فعالیت اقتصادی کوتاه می‌کرد و دولت را به طور همه‌جانبه درگیر این امر می‌نمود.

- * تقویت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و بازگرداندن این بازوی بالقوه مهم و تعیین‌کننده دولت به وظایف اصلی قانونی و فلسفه بنیادی تأسیس آن یعنی: ایجاد و توسعه تکنولوژیهای نوین (که امکان فعالیت مردم در آن کمتر است) و واگذارکردن آن به بخش خصوصی به منظور سرعت بخشیدن به فرایند صنعتی شدن کشور و تشویق و حمایت از بخش غیردولتی

- * انحلال کلیه شرکتهای غیرکارا به ویژه در بخشهایی که در این سالها اساساً مأموریتشان، دریافت بهره مالکانه بوده است.

- * انحلال سازمان صنایع ملی ایران با توجه به پایان یافتن الزامات و رخت بریستن ضرورت‌های ناظر بر اجرای قانون حفاظت و توسعه صنایع.

- * همکاری با نهاد ریاست جمهوری در انتقال کلیه سوابق و تجربیات موجود در کار

انتشارات سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن.

۵- توسعه اقتصادی در اندونزی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲.

6- Industrialization Policy of Indonesia, Ministry of Industry, 1993.

7- World - Statesman Vol.1 No.4 Autumn 1993.

۸- گزارش بانک جهانی پیرامون نتایج

اجرای چند پروژه در کره جنوبی، ۱۹۸۹.

۹- هفته نامه بازرگانی، وزارت بازرگانی، شماره ۱۹، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۴.

۱۰- گزارش وزارت صنایع و تجارت ترکیه، نوامبر ۱۹۹۲.

۱۱- ماهنامه جام، شماره ۲۱، آذر ۱۳۷۲.

12- World- Statesman, Vol.1, No.3 Summer 1993.

۱۳- سخنرانی وزیر اقتصاد مجارستان در تاریخ ۷۲/۹/۱۷ در اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران.

14- World- Statesman, Vol.1, No.3 Summer 1993

خصوصی سازی شرکتهای دولتی به این نهاد، (تجارب حاصل از عملکرد چهارساله خصوصی سازی در ایران حکم می کند که با توجه به اشراف نظارت و گستردگی حیطه اختیارات و ارتباطات مناسب نهاد ریاست جمهوری با کلیه دستگاههای مؤثر در فرایند خصوصی سازی، مسؤلیت این کار همچون برخی کشورهای پیشتاز در این زمینه، به این نهاد واگذار گردد).

* توسعه ارتباطات درون بخشی و گسترش شبکه های اطلاع رسانی صنعتی و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه و درون زا ساختن تکنولوژی و تعیین اهداف مشخص در جهت ارتقای تکنولوژی.

* توسعه صادرات صنعتی با برنامه مدون و تعیین تکلیف سرمایه گذارهای مشترک و توسعه همکاریهای منطقه ای و بین المللی در جهت دستیابی به بازارهای صادرات محصولات صنعتی.

زیر نویس ها (منابع و مأخذ):

۱- گزارش بانک جهانی پیرامون وضعیت بخش صنعت در جمهوری خلق چین ۱۹۹۰.

2- Business week, Nov. 15, 1993.

3- Industrial Restructuring in Malaysia, Ministry of International Trade and Industry, Dec. 1993.

۴- سخنرانی رئیس کل بانک مرکزی اندونزی در لندن (۲۲ سپتامبر ۱۹۹۳) از